

## نسخه دیگری از قصاید مجعول رودکی

احسان شواربی مقدم\*

با ابونصر مملان، ممدوح قطران، دانسته است. اما دنیسن راس بر عمدی بودن این امر تأکید دارد و در مجموع نسخ دیوان رایج منسوب به رودکی، مشهور به دیوان مجعول رودکی، که در سال ۱۳۱۵ قمری در تهران به طبع رسید را ساخته گروهی می‌داند که از ناشناس بودن قطران بهره جسته و خواسته‌اند تا با گزینش بهترین قصاید قطران و جعل آنها به نام رودکی، برای این شاعر متقدم دیوانی فراهم آورند.<sup>۳</sup>

در صورتی که عمدی بودن این کار را بپذیریم، می‌توانیم آن را سوء استفاده از روایت ناصر خسرو از ملاقاتش با قطران در تبریز بدانیم که گفته است: «زبان فارسی نیکو نمی‌دانست.»<sup>۴</sup> نیز از آنجا که از اشعار رودکی — که از کثرت ابیاتش سخن بسیار رفته — جز اندکی باقی نمانده است، شاید جاعل این اشعار بر آن شده تا هزار بیتی به آنها بیفزاید تا شاید سخن رشیدی سمرقندی را موجه‌تر سازد که گفته است:

«گر سری یابد به عالم کس به نیکو شاعری  
رودکی را بر سر آن شاعران زبید سری  
شعر او را بر شمردم سیزده ره صد هزار  
هم فزون آید اگر چونان که باید بشمری»<sup>۵</sup>

با توجه به این که نخستین کتب حاوی این اشعار مجعول یعنی فرهنگ جهانگیری، عرفات العاشقین، مجمع الفرس و فرهنگ رشیدی، همه در هند نگاشته شده‌اند، احتمال جعل این اشعار توسط ادبای شبه‌قاره و حتی نگارش دیوان مجعول رودکی در آن منطقه، قوت می‌گیرد.<sup>۶</sup> عبدالغنی میرزایف نیز به وجود تعداد زیادی از این اشعار مجعول در نسخه شماره ۳۲۲ محفوظ در گنجینه نسخ شرقی کتابخانه دولتی عمومی سالتیکوف شدرین، معروف به «مجموعه شعرا» اشاره کرده است<sup>۷</sup> که در

... و اکنون قلیلی اشعار به نام وی مذکور است و در بعضی تواریخ و کتب تذکره مسطور است چون دیوان حکیم قطران پدید آمد بیشتر آنها نیز در آن دیوان دریافته شد و بعد از تحقیق و تدقیق آشکار آمد که آن اشعار که به نام حکیم مشهور است هم از قطران است و چون قطران نیکو شعر گفته و دیوانش معروف نبوده و در مدایح وی نام ابونصر اندرست گمان کرده‌اند که نصر بن احمد است و شاعر رودکی است پس از آنکه در تواریخ و آثار دقتی رفت پیدا آمد که حکیم رودکی صد و اند سال قبل از قطران بوده و این اشعار معروف به نام وی از قطران است الا قلیلی که در آن نیز شبهه است.<sup>۱</sup>

سطور فوق سخن رضاقلی خان هدایت است در مجمع الفصحا که در آن به اصالت برخی از اشعار حکیم رودکی سمرقندی پرداخته و انتساب پاره‌ای از اشعار منسوب به وی — که اصلاً سروده قطران تبریزی هستند — را باطل دانسته است. چنان که هدایت گفته، این اشتباه در اثر شباهت نام ممدوحین دو شاعر حادث شده است. این اتفاق بنا بر تتبعات ادوارد دنیسن راس، مستشرق فقید بریتانیایی و مرحوم سعید نفیسی در بسیاری از منابع متأخر اشعار رودکی، شامل غالب فرهنگ‌ها و سفینه‌های مؤلف به اواخر سده دهم هجری و پس از آن و نیز در دیوان مجعول رودکی که گویا در همان زمان به جهت فراهم آوردن دیوانی برای حکیم رودکی گردآوری شده، ظهور یافته و نخستین کسی که از این موضوع آگاهی یافته هدایت است که پیش تر بدان اشاره شد.<sup>۲</sup>

چنان که ذکر آن رفت، هدایت این موضوع را سهوی و حاصل شباهت نام نصر بن احمد، امیر سامانی ممدوح رودکی،

\* دانشجوی کارشناسی باستان‌شناسی دانشگاه تهران. پست الکترونیک: ehsanshavarebi@gmail.com

۱. هدایت، مجمع الفصحا ج ۱ (بخش ۲)، ص ۸۷۶.

۲. نک: نفیسی، ۱۳۱۰: ج ۲، صص ۶۵۸-۶۵۹ و 615، Denison Ross, 1924.

3. Ibid, p 616

۴. ناصر خسرو، سفرنامه: ۹. ۵. نفیسی، ۱۳۱۰: ۲/ ۵۷۴. ۶. نک: همو، همان، ۲/ ۶۵۹. ۷. نک: میرزایف، ۱۳۵۰: ۱.



اما درباره قصیده نخست، می‌توان چنین پنداشت که وجود نام «ابونصر» در این قصیده، کاتب را بر آن داشته که این قصیده در ستایش نصر بن احمد سامانی، ممدوح رودکی است؛ چه فقدان این نام در قصیده دیگر نمی‌توانسته اصلاح نام شاعر در آن قصیده را ایجاب کند و قطعاً کاتب که باید فرد فاضلی بوده باشد، در منبعی کهن قصیده دوم را به نام قطران دیده و آن را در کتابت خود درست کرده است.

کاتب این جنگ، تقی‌الدین حسینی کاشانی است و نسخه در ۱۴۱ برگ با ابعاد ۲۵ و ۱۳ سانتی‌متر با خط نستعلیق کتابت شده است.<sup>۱۴</sup> این نسخه بسیار کم‌نقطه است و این امر خوانش آن را اندکی دشوار ساخته و احتمال بروز خطا در تشخیص واژگان را افزوده است؛ بدین روی در بخش‌هایی از ابیات ذیل، تصحیح قیاسی صورت گرفته است. متن این دو قصیده، بر اساس نسخه ۱۰۶۶ کتابخانه مرکز احیاء، بدین قرار است:

منم غلام خداوند زلف غالیه‌گون  
تم شده چو تن زلف او نوان و نگون  
ز خون و تف همه‌روز، دیده و دل من  
یکی به آذر ماند، یکی به آذریون  
همی ندانم در هجر چند پیچم چند  
همی ندانم کز دوست چون شکیم چون  
ز بس کزین دل پر خون من برآمد جوش  
ز بس که دیده بیخواب من بریزد خون  
فروغ لاله چو<sup>۱۵</sup> عذرا به خلوه با<sup>۱۶</sup> وامق  
خروش ابر چو لیلی به خلوه با<sup>۱۷</sup> مجنون  
ز خاک و<sup>۱۸</sup> خاره برآورد بوی باد شمال  
ز سنگ<sup>۱۹</sup> خاره عیان کرد اشک ابر عیون  
ز خاک باد<sup>۲۰</sup> معنبر به عنبر سارا  
ز ابر شاخ مکمل<sup>۲۱</sup> به لؤلؤ مکنون  
ز سنگ خارا پیدا همی شود مینا  
ز روی مینا مرجان همی شود بیرون  
هر آنچه بست میان ارم به هم شدداد  
شکوفه ریخت به هم از باد [در بنفشه‌ستان]<sup>۲۲</sup>

آن ۳۸ قصیده شامل حدود ۱۰۵۰ بیت دیده می‌شود.<sup>۸</sup> هدف از این مقاله، معرفی منبع دیگری است که در آن، اشعاری از قطران به رودکی منسوب شده است. در جنگ خطی شماره ۱۰۶۶ محفوظ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم، که بنا به یادداشتی در صفحه نخست آن، پیشتر با شماره ۶۵۲ به کتابخانه شخصی مرحوم سعید نفیسی تعلق داشته، دو قصیده از قطران به نام رودکی ثبت شده است. این دو قصیده در سایر منابع متأخر نیز به نام رودکی ضبط شده ولی از آن دست اشعاری هستند که به طور قطع به قطران تعلق داشته و بعداً به نام رودکی جعل شده‌اند.

قصاید مذکور در دو جا از این جنگ تکرار شده‌اند، با این تفاوت که قصیده نخست در صفحه ۲۶۷، بیست بیت و در صفحه ۲۵۱، هجده بیت دارد و قصیده دوم در صفحه ۲۶۶، بیست‌بیتی و در صفحه ۲۵۱، شانزده‌بیتی است. البته قصیده اول در صفحه ۲۵۱ بیتی را در خود جای داده که در صفحه ۲۶۷ نیامده است، بنابراین در این جنگ، ۲۱ بیت از این قصیده آمده است.

قصیده نخست در جنگ کتابخانه سالتیکوف شدرین ۲۵ بیت<sup>۹</sup> و در دیوان قطران ۳۴ بیت<sup>۱۰</sup> دارد و براگینسکی نیز ۷ بیت از آن را در فصل چهاردهم کتاب رودکی: آثار منظوم، با عنوان «ابیاتیکه بروایتی منسوب بقطران تبریزی میباشد» آورده است.<sup>۱۱</sup> همچنین از قصیده دوم، در جنگ کتابخانه سالتیکوف شدرین ۲۶ بیت<sup>۱۲</sup> و در دیوان قطران تبریزی ۲۹ بیت<sup>۱۳</sup> آمده است.

نکته قابل توجه آن است که کاتب، در صفحه ۲۶۶، در صدر قصیده ابتدا عبارت «الحکیم رودکی» را نوشته بوده، اما بعداً بر روی آن خطی کشیده و در کنارش نوشته است: «الحکیم قطران». با وجود آن که این نسخه توسط چند کاتب و با دستخط‌های مختلف نوشته شده، بی شک این تغییر توسط کاتب اصلی و همان کسی که ابیات را استنساخ کرده، اعمال شده است. این امر می‌تواند بیانگر آن باشد که کاتب، بعداً متوجه جعلی بودن این شعر شده و آن را اصلاح کرده است.

۸. نک: همو، همان، ص ۵. ۹. نک: همو، همان، ص ۹. ۱۰. نک: قطران، دیوان: ۳۳۱-۳۳۲. ۱۱. نک: رودکی، ۱۹۶۴: ۳۴۴-۳۴۶. ۱۲. نک: میرزایف، ۱۳۵۰: ۱۰. ۱۳. نک: قطران، دیوان: ۳۵۴-۳۵۵. ۱۴. نک: حسینی اشکوری، ۱۳۸۰: ۳/ ۲۹۹-۳۰۰. ۱۵. ص ۲۶۷: لاله. ۱۶. ص ۲۶۷: «با» ندارد. ۱۷. ص ۲۶۷: «با» ندارد. ۱۸. ص ۲۵۱: «او» ندارد. ۱۹. ص ۲۶۷: ز سنگ و ۲۰. ص ۲۵۱: ز باد خاک ۲۱. ص ۲۶۷: مشکل ۲۲. این عبارت بر اساس دیوان قطران اضافه شده. البته در دیوان، هر یک از این دو مصراع متعلق به بیتی متفاوتند. (نک: قطران، دیوان: ۳۳۱)

سرشک ابر پراکنده کرد در بستان  
 نسیم باد پدیدار کر[د] در هامون<sup>۳۳</sup>  
 همی بلرزد شاخ تهی ز باد بهار  
 چو چشم خصم ز<sup>۳۴</sup> تیغ امیر روزافزون  
 مکان نصرت و اقبال امیر ابونصر آن  
 که هست طالع او جفت طالع میمون<sup>۳۵</sup>  
 زبان کهتر و مهتر به مدح او گردان  
 روان عاقل و جاهل به مهر او مرهون  
 یکی عطاش همه گنج‌های اسکندر  
 یکی سخنش همه علم‌های افلاطون  
 ز دست او شده لؤلؤ به بحر متواری  
 به تیغ او شده آهن به سنگ در مدفون  
 اگر به بادیه از دست تو حدیث کنند  
 و گر ز تیغ تو اقتد خیال در جیحون  
 بسان گردون آنجا روان شود کشتی  
 بسان کشتی آنجا روان شود گردون  
 دهان به مدح تو گردد به گوهر آکنده  
 زبان ز ذکر تو گردد به غالیه معجون  
 خجسته بادت نوروز و روزه نیشان  
 هزار روزه و نوروز بگذران ای‌دون  
 یکی به طاعت و توبه به عهد پیغمبر  
 یکی به رامش و رادی به سان افریدون  
 همیشه بامه نیشان بد آیدت تشرین  
 همیشه تا مه کانون خوش آیدت کانون<sup>۳۶</sup>

\*\*\*

فغان من همه زان زلف تابدار سیاه  
 که گاه پرده لاله‌ست و گاه معجر ماه  
 چو قامت شمانست گوژپشت و نوان  
 چو جان اهرمنانست کینه‌دار و سیاه<sup>۳۷</sup>  
 به گاه رفتنش از سیم ساده باشد جای  
 به وقت خفتنش از مشک سوده باشد گاه  
 گه از عبیر کشد بر مه دوهفته زره  
 گه از بنفشه نهد بر مه دوهفته کلاه

هزار توبه صدساله را بداده به باد  
 هزار زاهد صدساله را ببرده ز راه  
 خبر دهد به سیاهی درون دشمن قیر<sup>۳۸</sup>  
 نشان دهد به دوتایی پشت<sup>۳۹</sup> حاسد شاه  
 چراغ گرگریان شهریار ابومنصور  
 که هست شاه‌نشان شاه و شهریار پناه  
 اگر سعادت جویی به جز رضاش مجوی  
 و گر سلامت خواهی به جز هواش مخواه  
 موافقان را از چاه برکشیده به تخت  
 مخالفان را از تخت درفکنده به چاه  
 اگر به کوه<sup>۴۰</sup> رسد باد خشم او یک بار  
 و گر به کاه رسد آب مهر او یک راه  
 به ساعت اندر مانند کاه گردد کوه  
 به ساعت اندر مانند کوه گردد کاه  
 خدای گویی کز بهر زایرانش سرست  
 که شغل ایشان دارد همی گه و بیگاه<sup>۴۱</sup>  
 ز بهر آمدگان دست او همیشه به کار  
 ز بهر نامدگان چشم او همیشه به راه  
 نیاز مگذرد آنجا که شاه کرد گذر  
 ملال ننگرد آنجا که شاه کرد نگاه<sup>۴۲</sup>  
 ایاز دست تو کار ولی همیشه قوی  
 ایاز<sup>۴۳</sup> ز تیغ تو کار عدو همیشه تباه  
 بدین مبارز خرگاهیان سخت‌گمان  
 شگفت نیست که بر آسمان زنی خرگاه<sup>۴۴</sup>  
 در آن زمین که تو یک روز رزم ساخته[ای]  
 پلنگ و شیر به خون اندرون<sup>۴۵</sup> کنند شنانه  
 نه آگهست ز راز دل تو چرخ بلند  
 ز راز چرخ برین هست رای تو آگاه  
 کرا<sup>۴۶</sup> به مدح تو روزی دراز گشت زبان  
 زمانه دارد دست بدی ازو کوتاه  
 تو سروری همه کس را و یاور تو خدای  
 تو مونس همه کس را و مونس تو اله

۳۳. این دو بیت فقط در ص ۲۶۷ آمده است. ۳۴. ص ۲۵۱: به ۲۵. این بیت فقط در ص ۲۶۷ آمده است. ۲۶. این بیت فقط در ص ۲۵۱ آمده است.  
 ۳۲. ص ۲۵۱: نکرد ۳۳. ص ۲۶۶: ویا ۳۴. این بیت فقط در ص ۲۶۶ آمده است. ۲۹. ص ۲۶۶: بسمت ۳۰. ص ۲۵۱: بیاد ۳۱. این بیت فقط در ص ۲۶۶ آمده است.  
 ۳۵. ص ۲۵۱: اندران ۳۶. ص ۲۵۱: کر

## منابع:

- و علوم انسانی دانشگاه تهران، جلد دوم، شماره دوم، تابستان، صص ۱-۱۸.
- ناصر خسرو، سفرنامه ناصر خسرو، به کوشش دکتر محمد دبیرسیاقی، چاپ هفتم، تهران: زوار، ۱۳۸۴.
- نفیسی، سعید، ۱۳۱۰؛ احوال و اشعار ابوعبدالله جعفر بن محمد رودکی سمرقندی، تهران: کتابخانه ترقی.
- هدایت، رضاقلی خان، مجمع الفصحا، به کوشش مظاهر مصفا، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۲.
- Denison Ross, Edward, 1924, "Rudaki and Pseudo-Rudaki", *Journal of the Royal Asiatic Society*, vol. 56, London, pp. 609-644.
- جنگ خطی شماره ۱۰۶۶، کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی (قم). نک: حسینی اشکوری، ۱۳۸۰.
- حسینی اشکوری، سعید احمد، ۱۳۸۰؛ فهرست نسخه‌های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی، قم: مرکز احیاء میراث اسلامی.
- رودکی سمرقندی، رودکی: آثار منظوم، با ترجمه روسی تحت نظر ی. براگینسکی، مسکو: اداره انتشارات دانش، ۱۹۶۴.
- Рудаки, 1964, *Рудаки: Стихи*, редакция и комментарии И.С. Брагинского, Москва: издательство «Наука».
- قطران تبریزی، دیوان حکیم قطران تبریزی، به سعی و اهتمام محمد نجوانی، تبریز: ۱۳۳۳.
- میرزایف، عبدالغنی، ۱۳۵۰؛ «یک نسخه جعلی دیگر از اشعار رودکی»، در: ایرانشناسی، مجله تحقیقات ایرانی دانشکده ادبیات

## استدراک

- در مقاله اینجانب با نام «اشعار نویافته منجیک ترمذی» که در شماره پیشین نشریه گزارش میراث (۴۶) چاپ شد، اشکالاتی چند راه یافته بود که بدین وسیله اصلاح می‌شود:
۱. پانوشت شماره ۲ در صفحه ۱۰ («همان، ص ۷۲»)، ارجاعی است به کتاب دکتر مدبری که سه سطر بالاتر در متن (سطر ۱۸) نیز بدان ارجاع داده شده است اما در وضع کنونی خواننده تصور می‌کند که مراد از «همان»، ترجمان البلاغه رادویانی است، که چنین نیست.
  ۲. جنگ خطی مورد بحث در این مقاله در فهرست کتابخانه دانشکده ادبیات به شماره «۵۳-د» ثبت شده است و حرف دال در عنوان این جنگ، نشانه اختصاری «دانشکده» نیست. بنابراین دو اصلاح ضروری است: در سطر سوم پاراگراف دوم مقاله (ص ۱۰)، عبارت «جنگ ۵۳ دانشکده ادبیات» می‌باید به «جنگ ۵۳-د دانشکده ادبیات» اصلاح شود و در سطر هفتم - هشتم همان پاراگراف نیز کل عبارت درون پرانتز زاید است.
  ۳. در مصرع دوم بیت نخست قصیده سوم (ص ۱۱) صورت «منخلان» که ضبط نسخه بوده، به اشتباه به حاشیه رفته و صورت «منخلان» با علامت سؤال (?) در متن آمده. از آقای دکتر احمدرضا قائم‌مقامی برای تذکار این نکته سپاسگزارم.

احسان شواربی مقدم

